

خیلواکی



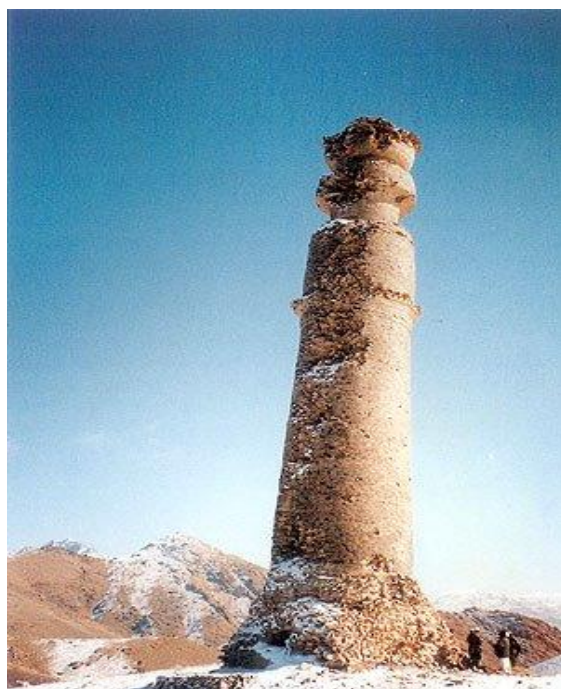
استقلال

www.esteqlaal.net

یکشنبه ۱۰ جنوری ۲۰۲۱

حامد نوید

منار چکری



منار تاریخی « چکری » قبل از انهدام و تخریب

یکی از آبدات بسیار پراهمیت در ولسوالی بگرامی یا حوزه تاریخی میان کابل و لوگر، منار با عظمت چکری بود که در نزدیکی خاک جبار در ۱۳ کیلومتری جنوب شهر از فراز کوتل شاخ برنتی در طی قرون متمادی از ارتفاع ۳۰۰ متری، شهر باستانی کابل را فاتحانه میپایید، اما در دهه هشتاد و نود، هنگامیکه بزرگترین صدمات بر پیکر آبدات تاریخی افغانستان در اثر جنگهای مدهش و تباهن وارد آمد، این منار تاریخی هم بی امان نماند و مورد حملات ناشیانه توپ و تانک قرار گرفت، تا اینکه در یک شب تاریک درچهارم مارچ سال ۱۹۹۸ با صدای مهیبی بر زمین افتاد و منهدم گردید، درحالیکه نه بتی را تمثیل میکرد و نه پیکره ئی را. فردای آنروز روستائیان

دیدند که چیزی جز از توده های سنگ و بخشی از بدنه آن، از منار باستانی چکری باقی نمانده. گرچه تا هنوز هیچیک از گروه های مسلح سیاسی مسئولیت تخریب آنرا بدوش نگرفته، ولی در آنوقت حکومت مسئولی در افغانستان نبود تا به اعمار دوباره آن بپردازد. به اساس مطالعات تاریخی، بخصوص تحقیقات «کریس ایم دور نیخ» آلمانی که در اخیر دهه شصت به پژوهش های تاریخی در افغانستان مشغول بود، منارچکری یکی از آبدات مهم بودایی در حوزه فرهنگی کابل بشمار میرفت، قرار فرضیه او، منار چکری باید کهن تر از دوره کوشانی ها (سده دوم تا پنجم میلادی) بوده به دوره آشوکا شاه موریایی هند (قرن سوم ق.م) که به مذهب بودایی هنایانا (چرخ کوچک) معتقد بود، تعلق داشته باشد. شاید دلیل ارائه این نظر شباهت عمومی منار چکری با مناره های یادگاری آشوکا پادشاه موریایی هند باشد که به دین بودایی شعبه «هنایانا» در سده سوم ق.م. گرویده بود. اما در میان ۱۹ مناریکه در سر تا سر هند از ادوار پار بجا مانده و بنام منار های آشوکا یاد میگردند، سبکها و طرح های متفاوتی را مشاهده کرده میتوانیم که برخی قابل مقایسه با منار چکری بوده و برخی قابل مقایسه با آن نیستند. زیرا یکتعداد آنها از چوب تراش یافته که نمیتوان آنرا از نگاه کاربرد مواد ساختمانی همگون منارچکری خواند. در منارچکری شیوه سنگ کاری محلی متشکل از پارچه های هموار سنگ و تخته سنگهای بزرگ همراه با لایه های مواد چسپاننده ساروج و جغل دیده میشود که این شیوه ساختمانی سبک خاص معماری دوره کوشانی ها بوده و در اکثر معابد اطراف کابل قابل تشخیص میباشد. ازینرو احتمال اینکه این منار قطور در دوره زمامداری کوشانی ها آباد گردیده باشد، بیشتر است. اکثر تاریخنگاران به این عقیده اند که منار چکری بخشی از معابد و آبادی هایست که در فاصله میان ولسوالی بگرامی کنونی در جنوب کابل و ساحه تاریخی بگرام در شمال کابل اعمار گردیده بود و این منار مرتفع در بلندی های شاخ برنتی انظار تاجران و زائرینی را که از نگاراوپهارا (جلال آباد) از طریق کوتل لته بند به کابورا (کابل آنوقت) می آمدند و بسوی کوهدامن و پروان ره می بستند، جلب مینموده است. از قرار معلوم این مناره مرتفع در زمان زمامداری یفتلی ها و کابل شاهان پا برجا بوده و بخصوص مورد دلچسپی و حرمت بازرگانان هندی قرار داشت. ازینرو امکان دارد که منار چکری با الهام از منار های آشوکا اعمارگردیده باشد، اما با این تفاوت که در آن سبک ساختمانی بخصوص حوزه مدنی کابل و ذوق معماران محلی چنانچه در شیوه ساختمانی معابد مس عینک، ستوپه های گلدره و شیوه کی و نیایشگاه تپه اسکندر در شمال کابل دیده میشود، هویدا و مشخص میباشد. چنانچه از یادداشت های نویسندگان برتانیوی از جمله الکساندر برنس و چارلس میسن بر می آید، سبک سنگ کاری

تزئینی منار چکری از شیوه خاصی برخوردار بوده است. این سکیچ که در قرن نهم توسط انگلیسها تهیه گردیده و در کتاب «**Ariana Antiqua** آریانای باستان» نوشته چارلس میسن و هوراس هیمن ولسن در سال ۱۸۴۱ به چاپ رسیده، چگونگی ساختمان منارچکری را به شکل بهتر نشان میدهد.

Column or Minar Chakri.



حالت و سکیچ اصلی مکمل منار چکری

ازجانب دیگر اکثر مناره های آشوکا در هند با مجسمه شیر های سه گانه مزین بودند که در رأس منار به نمایش گذاشت میشود. این قسمت عموماً با نقش نیم برجسته چرخ «**Dharma** دهارما» و سه حیوان دیگر، یعنی اسب، نرگاو و فیل آراسته میشود. این آفرینش هنری تا هنوز مورد احترام مردم و نشان ملی هندوستان است.

باستان شناسان معتقد اند که چنین پیکره ای در بخش بالایی منارچکری وجود نداشته و در عوض از روی خشت پاره ها و سنگریزه های بجا مانده درین بخش به این نتیجه رسیده بودند که شاید ساختمانی به شکل چتری از گلبرگهای نیلوفر بر فراز این مناره بلند وجود داشته که در اثر حوادث روزگار از بین رفته، و یا شاید با چرخ بزرگی که مظهر شعبه «**مهایانا**» در آئین بودایی مروج در افغانستان بود، تزئین یافته و چون تاجی در رأس این مناره قرار داشته است. ازینرو تا کنون بنام منارچکری یاد میگردد.

چکره در زبان سانسیکریت معنی چرخ را میدهد و به اساس فلسفه بودیزیم و هندوئیزیم کلمه دهارما Dharma معنی چرخ حیات را نیز ارائه میدارد. بدین معنی که چرخ حیات، و کائنات همواره در حال گردش است و به اساس قانون طبیعت اعمال نیک و بد انسانی دو باره به آدمی برگشتنی است. در بخش اخلاقیات سرود های ویدی اصطلاح «رتا» قانون حقیقت را شرح میدارد و «کارما Karma» عمل و عکس العمل را بیان میکند. یعنی هر بدکنشی و یا نکوکاری بازتاب و نتیجه ای دارد. این فکر در ادبیات ادوار اسلامی نیز در قالب اندرز های اخلاقی و فلسفی دیده میشود. مانند این ابیات صائب:

مخند ای نوجوان زنهار بر موی سفید ما که این برف پریشان بر سر هر بام می بارد

وحضرت مولانا

گرچه دیوار افگند سایه دراز بازگردد سوی او آن سایه باز

این جهان کوه است و فعل ما ندا سوی ما آید ندا ها را صدا

و یا این شعر

تازه جوانی ز سر ریشخند گفت به پیری که کمانت به چند

پیر بخندید و بگفت ای جوان چرخ ترا نیز دهد رایگان

بنا بر بینش فلسفی مکتب فکری «مهایانا» گلبرگهای نیلوفر درحقیقت مظهر این چرخ اند و نکویی آن در آنست که بر ساقه یعنی محور وجودی خود استواری دارند. همچنان چکره ها در وجود انسان نشانایگاه نقاط فشار میان قوای مقناطیسی زمین و نیروی عظیم کائناتی بحساب میروند و هرگاه در تعادل آیند باعث سلامتی بدن و روح میگردند.

خصوصیات ساختمانی:

از نگاه ساختمانی منار چکری از سه بخش تشکیل یافته بود، تهداب، بدنه و تاجی که برسر منار قرار داشت. تهداب منار چکری به اندازه ۸ متر در ۸ متر مسند مربع شکلی بود که بدنه مناره بر آن استواری داشت. ارتفاع منار به ۲۸ متر میرسید و ساختمانی در بخشهای بلند بدنه آن به شکل گلدسته مناره های ادوار اسلامی بچشم میخورد. چنانچه از سکیچ های قرن نهم برمی آید سراپای منار چکری با دقت هنگاف کاری گردیده بود و امکان داشت در اثر حوادث طبیعی بپوسد. ازینرو در سال ۱۹۲۳ درهنگام زمامداری شاه امان الله کوشش بعمل آمد تا ترمیماتی برای حفاظت منارچکری و سرخ منار که در سرایشی دامنه کوه موقعیت داشت، صورت گیرد که به

پایه تکمیل نرسید. اکنون از سرخ منار هیچ اثری بجا نمانده، زیرا در اثر زلزله شدید سال ۱۹۶۵ بر زمین افتید و منهدم شد. در همین سال کوشش به عمل آمد تا با استوارساختن منارچکری که در بین مردم محل به سیاه منار و گاهی هم بنام منار اسکندر یاد میشد، ترمیماتی صورت گیرد و از تخریب بیشتر آن جلوگیری گردد. بین سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۶ در هنگام زمامداری سردارمحمد داود کوشش هائی از طرف ریاست حفظ آثار تاریخی افغانستان به کمک باستان شناسان انگلیس به عمل آمد تا از فرو افتادن منار چکری ممانعت گردد که تا اندازه زیادی در حفظ این اثر باستانی مؤثر افتاد.

از نگاه تزئینات معماری، سر تا پای منارچکری با هنگامکاری ظریفی پوشش یافته بود که سبک «هلنیستیک» یونان باختری داشت، اما قبل از انهدام آن که در سال ۱۹۹۸ اتفاق افتاد، اکثر هنگامکاریها در اثر حوادث روزگار و عدم مراقبت درست فرو پاشیده بود. و اینست داستان غم انگیز مناریکه روزگاری مظهر تمدن شگوفا و با اعظمت افغانستان پار بود، اما ناشیانه از بین رفت.



منار چکری در آستانه انهدام در دهه نود میلادی